

رخداد

۴۰ مجروح و دستگیری چند تماشاگر در بازی استقلال و تراکتورسازی

■ ایسنا: اورژانس و پلیس تهران در گزارش‌های جداگانه از مجروح شدن ۴۰ نفر و دستگیری تعدادی از تماشاگران بازی استقلال تهران و تراکتورسازی تبریز خبر دادند. حسن عباسی- مدیررابط عمومی اورژانس تهران- با بیان اینکه بازی روز جمعه در مجموع ۴۰مصدوم برجای گذاشت، گفت: ۳۶ تماشاچی این بازی، سربایی و در محل درمان شدند. وی با بیان اینکه چهار مصدوم انتقالی به علت پارگی، ضربه و سقوط از پله، به بیمارستان منتقل شدند، گفت: حال عمومی این تماشاچیان مساعد گزارش شده است. عباسی گفت: ۲۶ پزشک و پرستار برای درمان مصدومان و خدمات اورژانسی در این بازی در استادیوم حضور داشتند. سرهنگ کریمی-معاون عملیات پلیس تهران - نیز با بیان اینکه این مسابقه در مقایسه با رقابت‌های مشابه با امنیت بسیار خوبی برگزار شد، گفت: در جریان برگزاری این مسابقه و پس از آن مشکل خاصی گزارش نشد اما در پی درگیری پیش از این مسابقه، مأموران یگان ویژه ورزشگاه تعدادی از تماشاگرنماهای دو تیم را دستگیر کردند. وی افزود: خوشبختانه تخلیه ورزشگاه آزادی نیز بدون هیچ مشکلی انجام شد و طرفداران دو تیم، بدون درگیری به مقصدهای خود عزیمت کردند.

دستگیری سومین متهم فراری از زندان اصفهان

■ شرق: سومین نفر از شش زندانی که از زندان مرکزی اصفهان فرار کرده بودند، در شهر مسجدسلیمان در استان خوزستان دستگیر شد. پیش از این، یکی از شش زندانی فراری هنگام شنا در رودخانه دز به دام افتاده و نفر دوم نیز در کرمانشاه بازداشت شده بود. سومین زندانی فراری در روزهای پایانی هفته گذشته توسط مأموران پلیس در مسجدسلیمان دستگیر شد. این فرد به جرم سرقت مسلحانه به ۲۷سال حبس محکوم شده است. بنا بر این گزارش، روز ۱۰ تیر اسمال شش زندانی خطرناک با جفر تونلی از زندان مرکزی اصفهان گریخته بودند.

اعدام ۲ قاچاقچی در ساری

■ ایسنا: حکم اعدام دو قاچاقچی مودامخدر صبح دیروز در ساری اجرا شد. حجت‌الاسلام جعفری، دادستان ساری افزود: حکم اعدام این دو قاچاقچی مودامخدر که به اتهام حمل، نگهداری و در معرض فروش قرار دادن مجموعاً یکلو مودامخدر از نوع هرویین دستگیر شده بودند، پس از رسیدگی قضایی و تشریفات آیین دادرسی و قطعی شدن حکم، سحرگاه دیروز در محوطه زندان ساری به اجرا درآمد.

سرقت ۹ کیلو طلا از مسافر اتوبوس

■ شرق: سارقان مسلحی که حدود ۹کیلوگرم طلا را از فردی در اتوبوس بین‌شهری سندرج - اصفهان به سرقت برده بودند، دستگیر شدند. سرهنگ احمدی‌تبار، رئیس پلیس آگاهی کردستان در این رابطه خاطرنشان کرد: کارآگاهان پلیس در پی وقوع سرقت مسلحانه حدود ۹کیلوگرم طلا از فردی، با استفاده از منابع اطلاعاتی، تحقیق از طلافروشان و مسافران اتوبوس و چهره‌نگاری فهمیدند سارقان پس از سرقت به یکی از باغ‌های باغ‌پارک اطراف محل رفته و در آنجا مخفی شده‌اند. وی ادامه داد: مأموران پس از هماهنگی با مرجع قضایی در یک عملیات غافلگیرانه، یکی از سارقان را به همراه مالک خانه دستگیر کردند و در بازرسی از آنجا مبلغ چهار میلیون تومان وجه نقد کشف کردند.احمدی‌تبار با بیان اینکه در ادامه تحقیقات، دو متهم دیگر دستگیر شدند، افزود: در بازرسی از مخفیگاه آنان چهار کیلوگرم طلا و مبلغ ۴۷میلیون تومان وجه نقد کشف و ضبط شد.

سقوط هواپیمای آموزشی در تبریز

■ ایسنا: مدیرکل مدیریت بحران استان آذربایجان شرقی از سقوط یک فروند هواپیمای آموزشی (S5) در میدان آذربایجان شهر تبریز خبر داد. خلیل ساعی، با بیان اینکه نقص فنی، علت سقوط این هواپیما بود، گفت: خوشبختانه این حادثه تلفات جانی نداشت و خلبان نیز که با چتر نجات خود را به بیرون پرتاب کرده بودمصدوم شده است. وی با بیان اینکه خسارت زیادی به میدان آذربایجان وارد نشده است، گفت: در جریان این سانحه، هواپیما متلاشی شد.

سارق ناشی، چک‌های باطله دردید

■ پلیس خبر: سارق ناشی با دستبرد زدن به بانک، فقط ۵۶۶ فقره چک باطله را سرقت کرد. سرهنگ محمد اکبری کنعان- فرمانده انتظامی اهر- با اعلام این خبر افزود: مأموران در پی مفقود شدن ۵۶۶ فقره از چک‌های باطله در یکی از بانک‌ها، با انجام اقدامات گسترده موفق به شناسایی سارق شدند. وی ادامه داد: سارق ۵۲ساله در بازجویی فنی پلیس اعتراف کرد برده انجام کاری به بانک مراجعه و وقتی متصدی فرجه میزبان را برای آوردن پرونده ترک کرد، در یک فرصت مناسب چک‌ها را به تصور اینکه اسناد مالی قابل برداشت است، بود و بعد از خروج از بانک متوجه باطله بودن آنها شد. سرهنگ اکبری کنعان افزود: تمامی چک‌ها از متهم کشف و تحویل بانک داده شد و متهم برای سیر مراحل قانونی به مرجع قضایی معرفی شد.

شرق: انکارهای پسر جوانی که به قتل دختر مورد علاقه‌اش متهم شده است و چهار دلیل مورد اشاره وکیل مدافع او این پرونده را بار دیگر با گرهی پیچیده مواجه کرد.

بسه گزارش خبرنگار ما، در ابتدای جلسه محاکمه سیدرضایی، نماینده دادستان در جایگاه حاضر شد و در توضیح کیفرخواست خطاب به قضات شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری استان تهران گفت: زنی چهارم اردیبهشت سال جاری به پلیس خبر داد دخترش مینا گم شده است. این زن مدعی شد مینا، دختر ۱۲ساله‌اش برای ثبت‌نام در کلاس‌های ورزش از خانه بیرون رفته و دیگر برگشته است. یک روز قبل از این شکایت یک آتش‌سوزی در پشت‌بان خالهای در همسایگی خانه مینا رخ داده بود که پلیس متوجه شد این آتش‌سوزی به دلیل چند تکه لباس بود. چند روز بعد جسد مینا پیدا شد اما شدت سوختگی جنازه به حدی بود که تشخیص هویت او به سختی امکان داشت. زمانی که مادر مینا پیکر سوخته را دید، آن را شناسایی کرد و برای مشخص شدن علت دقیق مرگ متخصص پزشکی قانونی آزمایش‌هایی را انجام دادند و اعلام کردند نمی‌توان به طور قطع در مورد علت مرگ نظر داد اما احتمال اینکه جسمی سخت به سر مقتول برخورد کرده باشد، وجود دارد؛ البته این احتمال هم می‌رود که او بر اثر فشار بر عناصر حیاتی گردن فوت کرده باشد. در پی اعلام این نظریه بازپرس پرونده درخواست کرد تا دوباره کمیسون پزشکی تشکیل شود. در نهایت اعلام شد مرگ این دختر ناشی از فشار بر عناصر حیاتی گردن است. از سوی دیگر تحقیقات فاش کرد مینا از چند ماه قبل با پسری به نام پویا ارتباط داشت و روز حادثه نیز آنها چندین بار تلفنی با هم صحبت کرده بودند. مأموران متوجه شدند کسی که تکه‌های لباس را در خانه مجاور منزل مقتول آتش‌زده همان پویا دوست میناست، بنابراین پسر جوان بازداشت شد و مورد بازجویی قرار گرفت. نماینده دادستان تهران در ادامه گفت: متهم در بازجویی‌ها ادا کرد مینا را به قتل نرسانده بلکه این دختر از پله به پایین پرت شده است. پویا گفت: من و مینا با هم در خانه صحبت می‌کردیم، مینا عصبی بود و پر خاشاگری می‌کرد. دستش را

شرق: در شرایطی که حکم قصاص در ملاعام عمل قتل روی پل مدیریت تهران مراحل قانونی را پشت سر می‌گذارد، خانواده متهم به قتل برای جلب رضایت اولیایم مقتول در تلاش هستند. به گزارش خبرنگار ما، متهم این پرونده که کوشا نام دارد دو ماه قبل دختری به نام مهسا را با ضربات متعدد چاقو روی پل مدیریت به قتل رساند. کوشا در دادگاه اتهام خود را قبول کرد و گفت برای رسیدن به مهسا دست به این کار زده است. او گفت: من و مهسا هر دو دانشجوی ادبیات دانشگاه علامه طباطبایی بودیم و من به مهسا علاقه‌مند شده بودم. چند بار از او خواستم با من دوست شود اما او قبول نکرد. من هم در روزهای آخر تحصیل‌مان وقتی متوجه شدم دیگر نمی‌توانم آمدنی به مهسا داشته باشم، تصمیم گرفتم او را بکشم. کوشا بعد از محاکمه در شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران به قصاص در ملاعام محکوم شد و این رای از سوی دیوان‌عالی کشور مورد تأیید قرار گرفت و پرونده به شعبه اجرای احکام دادرسی جنایی تهران فرستاده شد. اکنون با توجه به اینکه رای بر قصاص کوشا در ملاعام صادر شده است، دفتر رییس قوهقضایی با دادستانی کل کشور باید محل و زمان اجرای حکم را تعیین کنند. به همین دلیل پرونده برای تعیین تکلیف حکم به دادستانی فرستاده شد. آریا آقاسی -وکیل مدافع اولیایم مهسا- که دیروز برای بررسی وضعیت پرونده به دادرسی جنایی تهران رفته بود، به خبرنگار ما گفت: «پدر و مادر مهسا برای اجرای حکم مصمم هستند اما توانایی پرداخت تفاضل دیه را ندارند و من برای اعلام این مساله به دادسرا مراجعه کرده بودم.» او گفت: متأسفانه بحث تفاضل دیه برای خانواده‌هایی که دخترشان به قتل می‌رسد، مشکل‌ساز شده است و آنها باید میلیون‌ها تومان پول پرداخت کنند تا

گرفت کم اجازه ندهم بود او با شتاب دستش را کشید و از روی پله‌ای سکوماند به پایین پرت شد. دیگر نتوانستم او را به هوش بیاورم به همین دلیل هم جسد را در اتاقم رها کردم و رفتم. شب به خانه برگشتم، جسد را لای پتو پیچیدم و پشت صندوق ماشین گذاشتم و به جاده حسن‌آباد قشاقویه بردم و آتش زدم. متهم در تمام مراحل بازجویی اعتراف کرده مینا از روی پله به پایین پرت شده و خفه کردن او را بر عهده نگرفته است. سیدرضایی در ادامه خواستار صدور حکم قانونی برای متهم شد سپس اولیایم مقتول در جایگاه حاضر شدند و برای متهم درخواست صدور حکم قصاص کردند. مادر مینا گفت: شوهرم مسافرت بود و من با مینا و پسرانم در خانه بودم. شب قبل از این حادثه مینا خیلی بدحال بود و مجبور شدیم او را به بیمارستان ببریم، سردرد شدیدی داشت. شب خوابید و ظهر روز بعد بیدار شد. من می‌شنیدم مرتب برایش پهایم می‌آید. می‌دانستم دخترم با کسی رابطه دارد اما نمی‌دانستم آن شخص پویاست. تا اینکه دخترم گفت می‌خواهد در

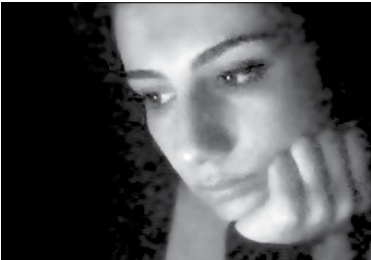


متهم در جلسه محاکمه، عکس شرق

گرفت کم اجازه ندهم بود او با شتاب دستش را کشید و از روی پله‌ای سکوماند به پایین پرت شد. دیگر نتوانستم او را به هوش بیاورم به همین دلیل هم جسد را در اتاقم رها کردم و رفتم. شب به خانه برگشتم، جسد را لای پتو پیچیدم و پشت صندوق ماشین گذاشتم و به جاده حسن‌آباد قشاقویه بردم و آتش زدم. متهم در تمام مراحل بازجویی اعتراف کرده مینا از روی پله به پایین پرت شده و خفه کردن او را بر عهده نگرفته است. سیدرضایی در ادامه خواستار صدور حکم قانونی برای متهم شد سپس اولیایم مقتول در جایگاه حاضر شدند و برای متهم درخواست صدور حکم قصاص کردند. مادر مینا گفت: شوهرم مسافرت بود و من با مینا و پسرانم در خانه بودم. شب قبل از این حادثه مینا خیلی بدحال بود و مجبور شدیم او را به بیمارستان ببریم، سردرد شدیدی داشت. شب خوابید و ظهر روز بعد بیدار شد. من می‌شنیدم مرتب برایش پهایم می‌آید. می‌دانستم دخترم با کسی رابطه دارد اما نمی‌دانستم آن شخص پویاست. تا اینکه دخترم گفت می‌خواهد در

مادر کوشا و وکیل اولیایم مهسا تشریح کردند آخرین وضعیت پرونده قتل روی پل مدیریت

تبتوانند قاتل فرزندشان را قصاص کنند. آقاسی در پاسخ به این سوال که آیا راهکار قانونی برای پرداخت تفاضل دیه از بیت‌المال وجود دارد، گفت: در قانون، پرداخت دیه از بیت‌المال در مورد افرادی است که قاتل آنها پیدا نمی‌شود اما در مورد اینکه تفاضل



مهسا مقتول

دیه از این طریق پرداخت شود، قانونی نداریم. این وکیل مدافع در مورد امکان اعلام رضایت از سوی اولیایم گفت: موکلان من بر اجرای حکم تأکید دارند. آنها به شدت داغدارند و هنوز هم در شوک اتفاقی هستند که دخترشان را از آنها گرفت. البته در جریان هستم خانواده کوشا برای جلب رضایت اقدام کرده‌اند اما موکلان من در شرایطی نبودند که حتی با آنها صحبت کنند و آنها را به حضور نپذیرفتند. این در حالی است که پدر و مادر کوشا هر روز برای اینکه راهی پیدا کنند تا بتوانند از اولیایم

هم سوار موتور من شدیم و به عباس‌آباد رفتیم تا در باشگاه ثبت‌نام کند. ۱۰ دقیقه بیشتر طول نکشید مینا برگشت و دوباره با هم به سمت خانه رفتم. او خیلی عصبانی بود و پر خاشاگری می‌کرد. وقتی به خانه رسیدیم، او داشت با تلفنش صحبت می‌کرد و مرتب پیامک برایش می‌آمد. پرسیدم با چه کسی حرف می‌زنی جوابی نداد و عصبانی شد. در اتاق من بودیم مینا بلند شد و کیفش را برداشت که برود. دستش را گرفت، و خواستم بماند اما رفت. حدود ساعت هشت بود که با تلفنش تماس گرفتم خاموش بود. فردای آن روز دوباره تماس گرفتم باز خاموش بود چند روز بعد روز باخبر شدم او را به قتل رسانده‌اند. متهم دربار اعتراف‌اتش در مرحله تحقیقات مقدماتی و جزئیاتی که توضیح داده بود، گفت: من خیلی ترسیده بودم و مأموران هم از ترس من استفاده و بازجویی فنی کردند و من هم اعتراف کردم در حالی‌که حرف‌هایم واقعیت نداشت. سپس وکلای متهم در جایگاه حاضر شدند و برای پویا درخواست جلسه دادگاه متهم در جایگاه حاضر شد. او اتهام قتل را رد کرد و گفت: من اصلا در این قتل دخالت نکردم و نمی‌دانم چرا مینا کشته شده است. او گفت: من و مینا با هم رابطه داشتیم و دو ماه بود که باهم دوست بودیم. در این مدت چندین بار همدیگر را دیده بودیم. شب قبل از حادثه مینا به من گفت حالش خوب نیست و احتمال دارد به بیمارستان برود. فردای شد تا او بتواند دخترش را شناسایی کند. در این هنگام قاضی مادر مینا را مورد سوال قرار داد و این زن جواب داد: جسد دخترم کاملاً سوخته بود و من او را از روی ساعت مچی و زیلو شناسایی کردم. زیلو به نظرم آشنا آمد. سپس آخرین دفاعیات پویا از او گرفته و هیأت قضات برای تصمیم‌گیری در مورد پرونده وارد شور شدند.

به جای برادرشان تنبیه نکند، قبول دارم کوشا جنبانی بزرگ مرتکب شده است. خدا می‌داند اگر می‌دانستم او چه تصمیمی دارد، خود را جلو چاقویش می‌انداختم تا به مهسا آسیبی نرساند. مادر کوشا گفت: بعد از چهلیم مهسا بارها و بارها مقابل خانه پدر و مادرش رفتیم اما آنها حاضر نشدند با ما رویهر شوند. نامه نوشتیم با هم نخوانند و آن را به ما پس دهند. هر کاری آنها بخواهند انجام می‌دهیم. حائقال اجازه دهند برویم و تسلیت بگیریم. او در مورد وضعیت متهم گفت: پسر در زندان شرایط سختی دارد. این روزها برایش بدتر از مرگ است، لاغر شده و به شدت پشیمان است و عذاب وجدان دارد. مرتب گریه می‌کند و حالش به شدت بد است. در این مدت چندبار بیشتر او را ندیدم و هر بار که ملاقاتش کردم از دفعه قبل بدتر شده بود. این زن در مورد چرایی قتل گفت: کوشا اصلا در مورد مهسا با من صحبت نکرده و فقط یکبار به خواهرش گفته بود، عاشق دختری شده است. کوشا این دو سال آخر خیلی عصبی بود. آنقدر عصبی بود که بارها و بارها از او خواستم به دکتر برود و خواستم خودش در درمان کند اما به شدت عصبی می‌شد. حتی چندبار بهانه کرد و گفت خودم مریض هستم و خواستم همراهی‌ام کند تا او پیش دکتر ببرم اما توجهی نکرد. مادر کوشا بار دیگر از خانواده مهسا درخواست کرد از قصاص گذشت کنند. او گفت: هر تنبیهی برای کوشا در نظر بگیرند، قبول دارم فقط درخواست دارم از قصاص گذشت کنند چون همه اعضای خانواده من از بین می‌روند. بخشش از بزرگان است و اولیایم هم خانواده بزرگی هستند. در تمام این مدت هر گز به مایب احترامی نکردند. هر چند در را به روی ما باز نکردند اما هیچ‌وقت از آنها بی‌ادی ندیدم. به خاطر این بزرگواری در خواست دارم از گناه کوشا بگذرند.»

لحظه وقوع زدی را ثبت کرده‌اند. این تصاویر بازبینی و چهره سه جوان سابقه‌دار به نام‌های بهروز، رامین و مهرداد شناسایی شد. بررسی سوابق سه متهم نشان می‌داد آنها هر کدام پیش از این بارها به اتهام‌های گوناگون زندانی شده‌اند. در این میان فاش شد مهرداد به اتهام آزار جنسی توسط کارآگاهان اداره ۱۶ پلیس آگاهی دستگیر شده و در زندان به سر می‌برد. در همین حال بررسی‌ها نشان داد بهروز و رامین سال گذشته به اتهام کیفیقای دستگیر و به تحمل حبس و پرداخت جریمه محکوم شده‌اند اما مدتی قبل با سپردن وثیقه از زندان آزاد شده و کیفیقای‌هایشان را از سر

پنج قاره

بزرگ‌ترین عامل مرگ و میر در میان جایی‌های ۱۵ تا ۳۴ساله است و میزان خودکشی در مناطق روستایی سه برابر بیشتر از مناطق شهری است.

سرقت دوهزار کتاب

یوفایتدپرس: پلیس کالیفرنیا از دستگیری سارق دوهزار جلد کتاب خبر داد. پلیس، این زن ۴۴ساله را هنگامی‌که قصد داشت تعداد دیگری کتاب سرقت کند، دستگیر کرد. مسوولان کتابخانه پس از اینکه متوجه شدند تعداد قابل توجهی از کتاب‌ها گم شده است، به پلیس گزارش دادند. پلیس پس از جست‌وجو خانه این سارق حدود دوهزار کتاب راجع به آشپزی و حیوانات پیدا کرد که پنج‌هزار دلار ارزش داشت.

نگاه

بازگشت به زندان



مجید ایهری رفتارشناس و استاد دانشگاه

■ پیشگیری از وقوع جرم به‌عنوان یک اصل دارای مراحل اولیه و ثانویه‌ای است. پیشگیری اولیه آن است که از لحاظ فرهنگی و اجتماعی گرایش به ارتکاب، ابزار و فرصت جرم از افرادی که دارای استعداد جرم هستند، گرفته شود. در همین حال پیشگیری ثانویه با توجه به اینکه قوانین و مجازات‌های کشور ما زندان‌محور است، در مورد افرادی صادق است که به زندان محکوم می‌شوند. بارها و بارها در صفحات حوادث روزنامه‌ها خوانده‌ایم، مجرمان بعد از آزادی از زندان دست به ارتکاب جرم می‌زنند و دوباره به زندان بازگردانده می‌شوند. نمونه آن همین سارقانی هستند که پشت چراغ‌های قرمز از رانندگان سبقت می‌گیرند. با توجه به اینکه زندانی شدن به عنوان یک آسیب اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد و زندان محل مبادله تجارب بزرگوارانه تبعه‌کاران است، فردی که یک‌بار به حبس محکوم شده، با جرایم دیگر نیز آشنا می‌شود. بر اساس تحقیقات انجام شده ۷۵درصد از باند‌های تبعه‌کاری هسته اولیه‌شان را در زندان تشکیل می‌دهند و افسرد در زندان‌ها عضو شبکه‌های مختلف می‌شوند. در یک پژوهشی که در بنیاد علوم رفتاری درباره علت تکرار جرم صورت گرفت، مشخص شد ۵۸درصد از بزرگواران دارای سوابق تکرار جرم هستند و برخی دوم‌تیر و برخی چندین بار دستگیر و زندانی شده‌اند. یکی از دلایل مهم این موضوع، عدم پذیرش زندانیان آزاد شده از سوی جامعه است. یعنی جامعه در برابر سابقه‌داران مقاومت می‌کند و تمایلی به پذیرش آنها ندارد. جامعه نمی‌تواند فردی را که یک‌بار به زندان رفته از نظر اشتغال و اعتماد بپذیرد. همین دلیل باعث می‌شود فرد سابقه‌دار از سر عجز و ناتوانی به سوی ارتکاب مجدد جرم سوق پیدا کند. این افراد اغلب متاهل هستند و تأمین هزینه‌های زندگی برای آنها دشوار است و معمولاً راه مناسبی برای کار پیدا نمی‌کنند بنابراین راه غلط قبلی را پیش می‌گیرند. نکته دیگر آنکه اکثر بزرگواران فاقد تجارب لازم برای اشتغال هستند. یعنی اگر در زندان‌ها به زندانیان آموزش‌های فنی و حرفه‌ای داده و برای آنها امکان اشتغال در زندان فراهم شود هم کمک بزرگی به خانواده‌های آنها شده و هم در یافتن شغل، کمک موثری به آنها می‌شود و آنها می‌توانند بعد از آزادی، حرفه‌ای را که آموخته‌اند، ادامه دهند. از نظر رفتارشناسی وقتی یک نفر زندانی می‌شود، در حقیقت خانواده او زندانی شده است و مسیر سرنوشت آنان نیز تحت‌الشعاع سیرپرست خانواده تغییر می‌یابد. در این میان بسیاری از همسران و فرزندان بزرگواران نیز ناخودآگاه دچار ناهنجاری می‌شوند. در همین حال زندانیان آزاد شده وقتی به خانه بر می‌گردند، جایگاه خود را به‌عنوان یک پدر یا یک مادر از دست می‌دهند. یکی دیگر از علل بازگشت زندانیان به زندان، علل روانی است. در چنین شرایطی برای جلوگیری از ارتکاب مجدد جرم توسط زندانیان و بازگشت مجدد آنها به زندان باید ضمن ایجاد طرح‌های اشتغال آنها را ساماندهی کرد. از طرفی زندان‌ها نیز در حال حاضر پذیرای سه برابر ظرفیت خود هستند که این مساله نیز می‌تواند از نظر مشکلات تغذیه و تجارت بزرگه‌کاران قابل توجه باشد. در همین حال تصویب قوانین و مجازات‌های جایگزین مثل حبس در خانه نیز می‌تواند برای افرادی که حضور آنها خطرناک نیست، مهر مناسبی باشد. در مجموع باید گفت مشکلات عاطفی، مادی و اجتماعی و کسب تجارب بزرگوارانه از علل اصلی تکرار جرم و بازگشت زندانیان به زندان است تا آنجا که بعضی از آنها هنگام خروج به دوستان و هم پندان خود سفارش می‌کنند که تخت و جای آنها اشغال نشود؛ چرا که به زودی آنها به زندان بر می‌گردند.

حادثه‌ها

رهایی کروکان

از چنگال ۴ آدم‌ربا

■ شرق: فرد کلاهبرداری که با فروش سکه‌های تقلبی به عنوان سکه‌های قدیمی کلاهبرداری می‌کرد، پس از آخرین معامله خود به دست چهار نفر از خریداران سکه برده شد. سرهنگ «حسن آبادی» فرمانده انتظامی رباط کریم در این رابطه توضیح داد: در پی اعلام گزارشی مبنی بر مفقود شدن فردی به نام رضا، تلاش پلیس برای به دست آوردن سرخنه‌هایی از او ادامه داشت تا اینکه برادر رضا به پلیس آگاهی مراجعه و اذعان کرد شخص ناشناسی با منزل وی تماس گرفته و اعلام کرده رضا به عنوان گروگان در اختیار آنهاست و در قبال آزادی او باید ۱۵میلیون تومان پرداخت کند. وی تصریح کرد: با توجه به حساسیت موضوع و تهدید اد‌مربایان مبنی بر اینکه برای پرداخت مبلغ درخواستی فقط یک روز فرصت وجود دارد، بلافاصله اکپب ویزم‌ای از کارآگاهان، آزادی گروگان را در دستور کار خود قرار دادند. سرهنگ حسن‌آبادی افزود: پس از انجام اقدامات اطلاعاتی گسترده و به‌کارگیری شش‌گانه‌های خاص پلیسی سرانجام محدوده اختفای آدم‌ربایان شناسایی شد و محل مورد نظر کاملاً تحت محاصره پلیس قرار گرفت. فرمانده انتظامی رباط کریم ادامه داد: متهمان وقتی متوجه شدند پلیس در چند قدمی آنهاست، ابتدا قصد داشتند با تهدید و درگیری متواری شوند اما سرانجام تسلیم شدند و رضا آزاد شد. وی ادامه داد: علاوه بر آدم‌ربایان، فرد برده شده نیز متهم به فروش سکه‌های تقلبی به عنوان سکه‌های تاریخی است و هر پنج متهم به همراه ۲۶ عدد سکه طلای تقلبی برای سیر مراحل قانونی تحویل مراجع قضایی شدند.